

زیارت و احکام قبرها و مساجد از دیدگاه تشیع و وهابیت

زیارت و احکام قبرها و مساجد از دیدگاه تشیع و وهابیت

یکی از مسائل مورد اختلاف وهابیت با دیگر مذاهب اسلامی حتی با اهل سنت موضوع زیارت قبور می باشد. عالمان وهابی زیارت را امری شرک آمیز می دانند. وهابیان ساختن بنا بر روی قبور را حرام دانسته و به همین دلیل قبرستان بقیع و بسیاری از قبور دیگر را که دارای بنا بود با خاک یکسان کردند. در این مقاله نظر و اعتقاد وهابیون در مورد زیارت و احکام قبرها و مساجد توضیح داده خواهد شد.

زیارت از دیدگاه تسنن و تشیع

چنان که گفته شد، وهابیان زیارت را مانند شفاعت، توسل شرک آمیز و سبب خرج از دین می‌پندارند؛ در حالی که زیارت از اهل سنت جایز شمرده شده است. وهابیت در این زمینه هم مانند بسیاری از عقاید دیگر با اهل سنت اختلاف دارد.

وهابیان کوشیده‌اند با تمسک به گفته‌های کمیاب و نادر - که اهل سنت هم به آن اعتراض دارند - وهابیت را به صورت یک مذهب مطرح کنند؛ حال آن که مسلمانان به ویژه اهل سنت نمی‌توانند این گروه را در زمره فرقه‌های اسلامی به شمار آورند.

نظریات ابن قدامه

ابن قدامه، از بزرگانی و فقهای اهل سنت، ضمن این که زیارت را مانند سوگواری مطابق شرع اسلام می‌داند، تفصیل قائل شده و آن را برای مردان جایز و برای زنان مکروه می‌داند. او در تأیید این نظر به روایت زیر اشاره کرده است:

لعن الله زوارات القبور المتخذات علیهن المساجد و السرج؛
خدا زنان زیارت‌کننده قبرها را لعنت کند، به ویژه آن زنانی که روی قبرها چراغ روشن می‌کنند و آن جا را سجده گاه یا مسجد خویش قرار می‌دهند.
همو می‌افزاید:

در این روایت جمله «لعن الله» کراهت را می‌رساند و این کراهت، طبق مصالحی برای زنها شدیدتر است، چون ممکن است با بیرون رفتن از خانه و حضور در میان مردم حقوق همسر را تضییع کنند. دلیل لعنت بر زنان زائر این است که چون مردم جاهلیت به زیارت قبرها می‌رفتند، پس از چندی مجسمه و عکس روی قبر می‌ساختند، سپس آن را بت قرار داده، در مقابلش تعظیم می‌کردند. پس مورد لعن قرار گرفتند و زیارت زنان ممنوع شد.
وی در ادامه می‌نویسد:

زیارت قبرها برای مردان مستحب است، اما در خصوص مکروه بودن یا نبودن آن برای زنان دو روایت وجود دارد؛ طبق روایتی مستحب است به این شرط که همانند مردان بر سر قبرها سوره‌های توحید، یس، آیه الکرسی را بخوانند، ولی طبق روایت دیگر جایز نمی‌باشد. در صورت جواز، مرد و زن باید این گونه سلام بگویند:

السلام علیکم أهل الدیار من المومنین و المسلمین إنا إن شاء الله بکم لاحقون، نشأل الله
ولکم العافیة.^[1]

ابن قدامه زیارت زنان را جایز نمی‌داند:
و تکره للنساء لأن النبی قال: لعن الله زوارات القبور؛
زیارت برای زنان مکروه است، زیرا پیامبر فرموده است: لعنت خدا بر زنانی باد که قبرها را زیاد
می‌کنند!

وی معتقد است پیامبر در مرتبه نخست زنان را از زیارت منع کرد و جمله «لعن الله» نیز بر
همین مطلب دلالت دارد، ولی پس از آن، زیارت زنان را جایز دانست و فرمود:
كنت نهیتکم عن زیارة القبور فزورواها؛
من در گذشته شما را زیارت قبرها نهی کرده بودم، اما اینک آنها را زیارت کنید.
هم چنین می‌گوید:

وروی الترمذی أن عائشة زارت قبر أخيها؛
ترمذی روایت کرده که عایشه قبر برادرش (عبدالرحمن) را زیارت کرد.
ابن قدامه در نهایت از جمع حکم جواز و حرمت در احادیث مذکور کراهت زیارت زنان را نتیجه
می‌گیرد.^[2]

نظر علامه مجلسی

ایشان در همین زمینه اظهار می‌دارند:
زیارت برای مردان خوب و مستحب است... اما در مورد زیارت زنان دو قول وجود دارد: یک قول این
است که زیارت برای زنان کراهت دارد... و قول دیگر جواز آن است، اما به شرطی که خود را از
نامحرمان پوشیده دارند.^[3]

به عقیده شیعه زیارت قبرهای مؤمنان از سنت‌های پیامبر اکرم(ص) است و همه
مسلمانان بر این اتفاق دارند که هنگام فوت مؤمنی بر سر مزار او می‌رفت و صاحب عزا را
دلداری می‌داد؛ در قرآن کریم نیز آمده است:
«ولاتصل علی أحد منهم مات أبداً ولا تقم علی قبره إنهم كفروا بالله و رسوله و ماتوا و هم
فاسقون»^[4]

این آیه درباره منافقان بوده و بدان معناست که: ای پیامبر! همان طوری که از قبرهای مؤمنان
دیدار می‌کنی به دیدار مزار منافقین نرو و بر جسدشان نماز مگزار و بر قبر آنان به دعانایست،
زیرا آنها به خدا و رسولش کفر می‌ورزند و فاسق می‌باشند.
در این که زیارت، اصلی قطعی است و مؤمنان بر مزار هم حاضر می‌شدند شکی وجود ندارد؛
هر چند ممکن است در خصوصیات جزئی زیارت بین برخی مذاهب اسلامی اختلاف‌هایی وجود
داشته باشد.

زیارت قبرها، سنتی حسنه

در کتاب‌های تاریخی منسوب به اهل سنت آمده است: پیامبر هر سال به زیارت شهدای احد
می‌رفت و این گونه زیارت می‌خواند: «السلام علیکم بما صبرتم فنعمة عقبی الدار».
هم چنین نقل شده است: ابوبکر، عمر و عثمان نیز مانند پیامبر زیارت می‌کردند. دختر پیامبر
اسلام حضرت فاطمه زهرا(س) نیز هفته‌ای دو روز به زیارت شهدای احد می‌رفت. پیامبر گرامی
هنگام زیارت شهدا، به خصوص در زیارت حمزه (ع)، و معصب بن عمیر این آیه را تلاوت
می‌نمود: «رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه».^[5]
در کتاب الصحيح آمده است:

ابوسعید خدری بر قبر حضرت حمزه سلام می‌کرد... ام سلمه - یکی از زنان محترم پیامبر - و
افرادى مانند ابوهریره، فاطمه خزائیه و عبدالله بن عمر خطاب همین گونه شهدا را زیارت

می‌کردند. [6]

در کتاب الغدیر در باب فضایل و مناقب ابی حنیفه آمده است:
امام شافعی هرگاه در بغداد به سر می‌برد به زیارت ابوحنیفه می‌رفت؛ در کنار ضریح او می‌ایستاد و سلام می‌کرد و برای رفع حوائج خویش به خدا متوسل می‌شد. احمد بن حنبل نیز با استادش (شافعی) چنین رفتاری داشت؛ به طوری که پسرش عبدالله تعجب می‌کرد. احمد بن حنبل برای پسر توضیح داد توسل به امام شافعی در رفع گرفتاری‌ها اشکال ندارد، چرا که در دنیا مثل خورشید برای مردم نافع بود. [7]

آیا پیامبر و اهل بیت او به اندازه شافعی برای مردم سودمند نبودند؟ در حالی که شافعی و ابوحنیفه ائمه (ع) را به خدایی رساند.

آیا عمل این دو امام اهل سنت برای پیروان آنها حجت نیست؟ آیا وهابیان که زیارت را شرک می‌دانند ائمه اهل سنت را هم مشرک می‌خوانند.

علی رغم روایات شیعه و سنی در باب استحباب زیارت، روایت دیگری از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که هرکس به قبرستان برود و سوره «یس» را بخواند. از عذاب مردگان کاسته می‌شود، ولی وهابیان از حدیث «لعن الله زوارات القبور» تابلویی ساخته و بر قبرستان بقیع و ابوطالب آویخته‌اند.

اشکال: با آن که امام سنی بر زیارت قبرها صحه گذاشته و آن را مستحب دانسته‌اند، آیا مخالفت وهابیان در جهت اهداف استعمار و گسستن وحدت مسلمانان نیست؟ آیا نشانه این حقیقت نیست که آنان در صدند دین را آن گونه تفسیر و توجیه کنند که می‌خواهند، هر چند خلاف گفته و نظر دیگر مذاهب اسلامی باشد؟ اگر آنان زیارت قبرها را برای مردان بی‌اشکال می‌دانند؛ چرا زائران مرد نمی‌توانند در همه ساعات به زیارت بقیع بروند و فقط در وقت معینی اجازه دارند؟ چرا وهابیان بر آنند که همه قبرهای مقدس را خراب کنند؟ چرا در سال 1216 هـ. ق. سعود بن عبدالعزیز به دستور پدرش به کربلا حمله ور شد و بعد از قتل و غارت، آن حرم مقدس را خراب کرد؟ چرا در 1217 و 1218 هـ. ق. به مکه معظمه حمله بردند و به ویران کردن آثار متبرک پرداختند؟ چرا در 1220 هـ. ق. «اقتلوا المشرکین» گویان نجف اشرف را مورد تاخت و تاز قرار دادند؟ چرا در سال‌های بعد به مدینه منوره تاختند و قبور مقدس آن سرزمین مبارک را با خاک یکسان کردند قبرهای بزرگانی چون پدر پیامبر، ائمه بقیع، پسران و زنان پیغمبر [8] آیا جواب این سؤال‌ها را باید در دشمنی وهابیان با ائمه مظلوم بقیع و با حقیقت اسلام جست و جو کرد، یا آنکه بگوییم آنان زیارت مردان را هم جایز نمی‌دانند و به دلیل آن عملی است که انجام می‌دهند.

احکام قبرها و مساجد

وهابیان چندان رغبتی به آباد سازی قبرها و زیارت آنها ندارد. آنان به تحریم زیارت قبرها قائلند و تخریب آنها را جایز می‌دانند. اساس این تفکر از ابن تیمیه و شیخ محمد بن عبدالوهاب است. به سبب معیار قرار گرفتن رأی و نظر این دو، امروزه در کشور عربستان هیچ گورستانی زائر ندارد. البته پیروان مذاهب دیگر اهل سنت و زائران ایرانی برای چند ساعتی می‌توانند به زیارت بقیع و شهدای احد بروند.

وهابیان مدعی‌اند در به کار بستن دین و توجیه و تأویل احکام آن باید از سیره و عمل خلفا، اصحاب و تابعین الهام گرفت، زیرا آنان به زمان نزول وحی و پیامبر نزدیک‌تر بوده‌اند. البته این ادعایی بیش نیست و عقایدشان در باب زیارت خلاف گفته و عمل صحابه است، چون اصحاب نه فقط به زیارت احد و شهدای بقیع می‌رفتند، بلکه اگر دیاری را هم می‌گشودند قبرهای آن را

گرامی می‌داشتند؛ مثلاً وقتی سوریه در زمان خلیفه دوم فتح شد، مسلمانان قبر حضرت یحیی و زکریا را باقی گذاشتند و آنها را عزیز شمردند یا وقتی بیت المقدس را به سرزمین‌های اسلامی ضمیمه کردند، کسی قبرهای انبیا را در کنار مسجد اقصی خراب نکرد. مخالفت وهابیان با دفن مردگان در خانه شخصی و مسجد یا کنار آن، دلیل دیگری است بر این حقیقت که آنان راهی را پیموده‌اند که خلاف راه صحابه و ادعایشان است، زیرا همین صحابه، به ویژه علی(ع)، پیغمبر را در خانه خودش به خاک سپردند یا به نقلی، فاطمه زهرا (س) - که وهابیان او را جزء بزرگترین صحابه بر می‌شمردند - در خانه خویش دفن شد. نادرستی این عقیده زمانی روشن‌تر می‌شود که دریابیم براساس شواهد تاریخی جمع زیادی از انبیا در حجر اسماعیل و بیت المقدس مدفونند، بی‌آن که هنگام به خاک سپاری ایشان عبادت گاه بودن این دو مکان مقدس مطرح باشد.

چرا وهابیان قبر پیامبر و شیخین را تخریب نکردند

وهابیان که این همه سنگ متابعت از اصحاب را به سینه می‌زنند، هیچ گاه یارای آن را نداشته‌اند که قبر پیامبر و شیخین را تخریب کنند، زیرا چنین عملی با سیره اصحاب پیامبر مخالف است و نیز اعتراض جهان اسلام را در پی دارد.

اما آنان قبرستان بقیع را به دلیل دوری از مسجد النبی و مخالفت با شیعه و تجمع زائران خراب کردند. وهابیان در سال 1344 هـ. ق (1302 هـ. ش) همه گنبد‌های اطراف مدینه را با خاک یکسان کردند، مانند گنبد‌های ائمه چهار گانه (علیهم السلام)، عباس عموی پیامبر، زنان پیامبر عبدالله پدر پیامبر، عثمان بن عفان، اسماعیل بن جعفر صادق و مالک.^[9]

از آن جا که وهابیان به زیارت قبرهای انبیا و اولیا اعتقاد ندارند و آن را از مظاهر شرک و دوری انسان از خداوند می‌دانند، معتقدند باید مردم را از این عمل دور کرده، مقبره‌ها و زیارت‌گاه‌ها را از بین برد.

حرمت ساختن مسجد و خواندن نماز در کنار قبر

وهابیان به نماز ایستادن در کنار مزارها را شرک می‌دانند، زیرا عبادت صاحب قبر محسوب می‌شود آنان با استتسهاد به روایت ذیل از ابوهریره، ساختن مسجد در کنار قبرها را نادرست و خلاف شرع می‌پندارند.

پیامبر فرمود:

لا تجعلوا بیوتکم قبوراً و لاتجعلوا قبری عیداً وصلّوا علیّ؛ فإنّ صلاتکم تبلیغنی حیث کنتم؛ خانه‌هایتان را قبرستان نکنید و قبر مرا هم عید [محل بازدید] قرار ندهید بر من دورد بفرستید که دورد شما در هر کجا که باشید به من می‌رسد.

این حدیث با نظر به راوی آن که به جعل حدیث زبانزد عام و خاص است، اعتبار چندانی ندارد و جز با توجیه و تحلیل نمی‌توان آن را پذیرفت. در توجیه این روایت باید گفت: شاید عبارت «لاتجعلوا بیوتکم قبوراً» بیان‌گر این باشد که در خانه‌ای ذکر و یاد حق فراموش شود و معنویت در آن بمیرد آن را باید به قبرستانی مانند کرد که هیچ صدایی از آن بر نمی‌خیزد. هم چنین عبارت «ولاتجعلوا قبری عیداً» شاید گویای این حقیقت باشد که شادی و سرور مردم در شب عید ممکن است خلاف شرع باشد یا برای لحظه‌ای غفلت از حق را موجب شود؛ از این رو نباید در کنار تربت سید انبیاء جشن گرفت، زیرا از شرایط زیارت آن تربت مقدس حضور قلب و ذکر و یاد باری تعالی است.

همچنین شاید مفهوم عبارت «صلّوا علیّ» و دلیل درخواست پیامبر از پیروانش برای دورد فرستادن، نیازمندی اصحاب و یارانش به این هدیه معنوی است. در ضمن عبارت «لاتجعلوا

بیوتکم قبوراً» به پیامی بهداشتی اشاره دارد و آن این که اگر جسد آدمی دفن نشود، پس از گذشت اندک زمانی بوی بدی از آن بلند می‌شود و باعث انواع بیماری‌ها و زیان‌ها می‌شود و چنانچه جسدی در محلی نزدیک به محل زندگانی مدفون گردد ممکن است تعفن آن، زندگی را بر اهل محل سخت کند یا موجب بیماری شود. البته این عبارت پیامبر(ص) و ائمه اطهار(علیهم السلام) را در برنمی‌گیرد، زیرا جسم و روح ایشان به حکم آیه «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^[10] پاک است و سبب ایجاد بیماری و آفت نمی‌شود. حال اگر کسی با استدلال به روایت به دفن پیامبر(ص) و فاطمه زهرا(س) در خانه اعتراض کند باید بداند، این ایراد به ابوبکر و عمر بر می‌گردد که جزء اهل بیت نبودند و بنابر آیه تطهیر، پاک نیستند.

در نتیجه اگر وهابیان به دفن مردگان خرده می‌گیرند و گزاردن نماز در کنار قبر آنان را شرک می‌دانند باید صحابه را مشرک پنداشت؛ حال آنکه هرگز چنین نبوده است.^[11] استدلال به آیه 21 کهف

وقتی اصحاب کهف دوباره به خواب رفتند، مردم درباره تعیین محلی که آنان در آن خوابیده بودند اختلاف یافتند، اما سرانجام قرار گذاشتند مسجدی بنا کنند که زائران ضمن زیارت، به عبادت هم پردازند. وهابیان برای قبولاندن عقیده خویش مبنی بر شرعی نبودن ساختن مسجد روی مقبره‌ها این آیه را دست آویز خوش کردند؛ حال آن که هیچ روی نمی‌توان مطلبی را از این آیه در تأیید عقیده وهابیان استنباط کرد:

«و كَذَلِكَ أُعْثِرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رُبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لِنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا»؛^[12]

و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم که وعده خدا راست است و [در فرا رسیدن] قیامت هیچ شکی نیست، هنگامی که میان خود در کارشان با یک دیگر نزاع می‌کردند. پس [عده‌ای] گفتند: بر روی آنها ساختمانی بنا کنید، پروردگارشان به [حال] آنان دانایتر است. [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند، گفتند: حتماً برایشان معبدی بنا خواهیم کرد. استدلالی دیگر

پیش از این یاد آور شدیم وهابیان با ساختن مساجد روی قبرها مخالفند و آن را کاری غیر شرعی و حرام می‌دانند و برای اثبات عقیده خویش به هر روایتی، هر چند ضعیف، استناد می‌کنند، از جمله روایت زیر را که هیچ دلیلی بر صحت آن نیست، دست مایه خویش قرار داده اند:

لعن الله اليهود و النصارى اتخذوا و قبور أنبيائهم و صالحهم مساجد؛^[13]

خدا یهود و نصارا را لعنت کند که قبر پیامبر و صالحان خویش را مسجد قرار دادند. با آن که یهود و نصارا از لحاظ فکری و در عمل بسیار خطا کرده‌اند، اما هیچ گاه قبرها را عبادت نکرده‌اند. هم چنین این حدیث - اگر هم صحیح باشد - مسلمانان را در بر نمی‌گیرد، زیرا مسلمانان بر خلاف یهود و نصارا، هرگز روی قبرها مسجد نساخته‌اند و اگر در کنار قبری نماز گزارده‌اند، رضایت حق تعالی را جسته‌اند و ثواب آن را به صاحب قبر هدیه کرده‌اند و چنانچه صاحب قبر از اولیا باشد، از باری تعالی می‌خواهند به عزت و مقام او، مقام و منزلتشان را فزونی بخشد.

به نظر می‌رسد این تیمیه و به ویژه محمد بن عبدالوهاب بر آن بوده‌اند که با این نوع مخالفت‌ها، روشن فکری و وسعت اندیشه خویش را نشان دهند؛ حال آن که می‌توانستند با آموختن

حقیقت اسلام، مدیریت اسلامی، نحوه معیشت اجتماعی، تشویق به ساختن مراکز علمی - تحقیقی، مبارزه با استعمار و امثال آن بزرگی خویش را ثابت کنند. در زمان حاضر هم بعضی از درس خواندگان و تازه به علم رسیده‌ها برای این که آگاهی و دانش خویش را به رخ بکشند، امامزاده‌ها، زیارت‌گاه‌ها و دعاها را آماج گفته خویش قرار داده‌اند و خواسته در جهت اهداف استعمار قلم می‌زنند و آب به آسیاب دشمن می‌ریزند، اما باید بدانند روشن فکری به معنای خرافه دانستن زیارت‌ها و ریشخند زدن به دعاها نیست؛ بلکه یاد آوری حشمت و شکوه گذشته مردم مسلمان و نشان دادن راه‌هایی از یوغ استبداد و حقیقت دین است؛ همان شیوه‌ای که حضور امام خمینی (قدس سره) در طول انقلاب منتهای همت و آرزوی خویش قرار داد.

بنای مساجد در کنار قبرها

علمای شیعه با شرایطی که برخواهیم شمرد، بر جواز ساخت مسجد در کنار آرامگاه‌ها و مزارهای انبیا و صالحان اتفاق دارند و دانشمندان اهل تسنن نیز برخی به جواز و بعضی به کراهت آن قائلند، اما وهابیان به پیروزی از ابن تیمیه و شیخ محمد بن عبدالوهاب به حرمت آن اذعان دارند و برای اثبات عقیده خویش به هر روایتی - هر چند ضعیف و آیه‌ای هر چند نا مرتبط - چنگ زده‌اند، از جمله آیه 21 سوره کهف که از این آیه به هیچ وجه نمی‌توان از درستی عقیده وهابیان را برداشت کرد.

گفتنی است بعضی علمای بزرگ شیعه چون علامه مجلسی، علامه حلی و شیخ طوسی در صورتی به کراهت بنای مسجد در کنار آرام‌گاه حکم داده‌اند که مسجد روی قبر بنا شود و نماز طوری خوانده شود که رو به قبر باشد. از دیدگاه آنان بنای مسجد همانند مسجدهای اطراف حرم امام رضا (ع) و حضرت معصومه اشکالی ندارد و جایز است و حتی برخی از بزرگان شیعه به استحباب بنای مسجد در کنار مزارها نظر دارند.

علامه مجلسی ضمن این که به جایز بودن سخن ساخت مسجد با شرایطی که گفته شد - رأی می‌دهد به برخی از روایات اشاره می‌کند که جواز محل نماز در کنار مزار ائمه را تأیید می‌نماید؛ از جمله نقل می‌کند که پیامبر گرامی اسلام فرمود:

و الله لتقتلن بأرض العراق و تدفن بها! قلت یا رسول الله: ما لمن زار قبورنا و عمرها و تعاهدها؟ فقال لی: یا أبا الحسن! إن الله تعالی جعل قبرک و قبر ولدک بقاعاً من بقاع الجنة و عرضة من عرضاتها؛ [14]

حضرت فرمود: به خدا سوگند! تو را در زمین عراق خواهند کشت و در همان جا دفن خواهی شد. حضرت عرض کرد: ای رسول خدا، برای کسی که قبر ما را زیارت کند و آن را آباد سازد و مراقبت از آن را به عهده گیرد چه اجری خواهد بود؟ حضرت (ص) فرمود: خداوند مزار تو و فرزندت را بقعه‌هایی از بقعه‌های بهشت و میدان‌هایی از میدان‌های آن قرار خواهد داد.

از این حدیث شریف به دست می‌آید تعمیر قبرهای ائمه (ع) مستحب است و زیارت آن اجر و ثواب اخروی خواهد داشت و گزاردن نماز در آن مکان‌های مقدس بی‌اشکال است.

ارتفاع قبرها

وهابیان طبق روایتی معتقدند قبرها نباید بالاتر از سطح زمین ساخته شود یا نباید آرام‌گاهی بر سر مزارها بنا شود. ابی الهیاج از علی (ع) روایت می‌کند که آن حضرت فرمود:

ألا أبعثک علی ما بعثنی علیه رسول الله (ص) أن تدع قبراً مشرفاً إلا سوبته و لاثملاً إلا طمسته؛ [15]

[ای ابی الهیاج] آگاه باش تو را در پی کاری می‌فرستیم که رسول الله (ص) مرا به آن موظف

کرد. وظیفه‌ها این است که همه قبرهای بالا آمده و برجسته را با سطح زمین برابر کنی و مجسمه‌ها را از بین ببری.

سپس مؤلف فتح المجید از این حدیث چنین برداشت می‌کند ساختن گنبدها و بقعه‌ها، که مانند مجسمه‌ها و برآمدگی قبرها برجسته و نمایان است، جایز نیست و باید ویران شوند. در جواب باید گفت: اولاً این حدیث همان طور که نویسنده تہذیب التہذیب به آن اشاره دارد، در خور استناد نیست. ثانیاً، این روایت برای از بین بردن مجسمه‌ها و هم سطح کردن قبرها با زمین حکم داده و این حکم را نمی‌توان به بقعه‌ها و گنبدها تعمیم داد.

شیعه و سنی در این موضوع اتفاق نظر دارند که قبرها نباید برجسته باشند، اما ساختن آرامگاه روی مزار صالحان و علما جایز است. در کتاب الغدیر آمده است:

مالک بن انس در سال 179 هـ. ق درگذشت و قبر او در مدینه و در قبرستان بقیع است و دارای گنبدی کوچک و بنایی مختصر است: «علیه قبة صغيرة مختصر البناء»^[16]

بنابراین سند ساختن گنبد و بارگاه از دید علمای مالکی جایز است در کتاب الفقه علی مذاهب الأربعة درباره کیفیت قبر سازی، چنین آمده است:

ويندب ارتفاع التراب فوق القبر بقدر شبر؛^[17]

مستحب است قبر به اندازه یک وجب از زمین بلندتر باشد.

دیدگاه وهابیان درباره تزیین مساجد و مشاهد شریفه

اساس عقیده وهابیان این است که اگر در موردی به سند و روایت دست نیابند به منع آن قائل می‌شوند. به همین علت تزیین مسجدها، از جمله مسجد الحرام و مسجد النبی را با لوستر، قندیل و... جایز نمی‌دانند، زیرا در این خصوص به حدیثی دست نیافته‌اند.

در جواب باید گفت: اگر وهابیان به طور یقین به این معیار اهمیت می‌دهند نباید به هیچ وجه از مظاهر تمدن جدید بهره‌برند، زیرا در استحباب استفاده از ماشین، تلفن و... روایتی به ما نرسیده است. در ثانی همین که درباره حرمت این گونه مسائل روایتی نداریم، شاید خود دلیلی باشد بر این که بهره یافتن از آنها جایز و مباح است. در نتیجه باید گفت: تزیین مساجد اگر موجب حواس پرتی نشود و مردم را به حضور در مساجد تشویق نماید، اشکالی ندارد و جایز است.

مسافرت برای بازدید از مساجد

پیروان محمد بن عبدالوهاب براساس روایتی معتقدند مسافرت برای بازدید از مسجدها حرام است. دلیل عمده آنها روایتی است که ابی سعید از رسول خدا(ص) نقل کرده که فرمود:

لا تشد الرجال إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام و مسجدی هذا و المسجد الأقصى؛

بار و بنه سفر را فقط برای زیارت سه مسجد آماده کنید: مسجد الحرام، مسجد من و مسجد الاقصی.

وهابیان از این حدیث نتیجه گرفته‌اند که مسافرت برای دیدن از مساجد دیگر غیر شرعی است. محمد بن عبدالوهاب می‌گوید:

من سافر لمجرد زیارة قبور الأنبياء و الصالحين فهو مشرک؛^[18]

اگر کسی فقط برای زیارت قبرهای انبیا و صالحان را بیان می‌کند و نمی‌توان از آن، حرمت بازدید از دیگر مساجد را استنتاج کرد. دیدن مساجدی که در سرزمین‌های اسلامی واقع شده‌اند نه تنها ایرادی ندارد، بلکه با شکوه و عظمت دیرینه مسلمانان آشنا می‌سازد و ما را بر می‌انگیزد که در راه دست یابی به آن عزت و آبرو بکوشیم.

[1] . [2].430 2 .. [3].431 4264 . [4].191 14 . [5].84 . [6].312 1 . [7].318 4 . 5

100 . [14].267 . [13].21 . [12].261 . [11].33 . [10].407 [9].40 32 . [8].194
[15].120 : . [16].493 . [17].195 5 . [18].42 1 .261